

فرهنگ افغانستان

بخش دوم

تتبع و نگارش: ص. وفا

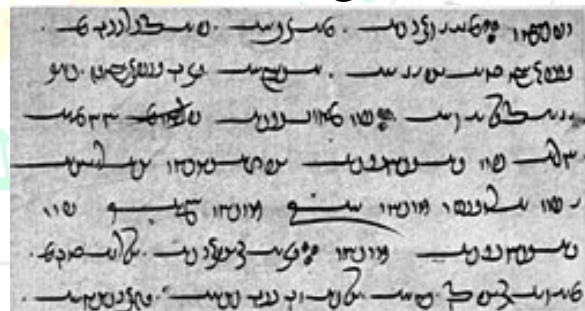
فرهنگ افغانستان در عصر ویدی و اوستا:

اوستا کتابی است که حدود یک هزار سال پیش توسط زرتشت بلخی به میان آمد، زبان اوستا که در افغانستان دیروز پدید آمد به استثنای همین کتاب دیگر آثاری از این زبان در جهان نمانده است، سروده های معروف زرتشت به زبان ویدی که دارای شعر منظوم هم بود، سینه به سینه و به شکل شفاهی انتقال میافت.

زبان های ویدی و اوستایی که از نخستین زبان های منطقه و نیاکان ما بود، در حقیقت مادر زبان های کنونی پشتو، پارسی- دری، اوزبکی و سایر زبان های این وطن پذیرفته شده است.

اوستا در قرن ششم قبل از میلاد به زبان آریایی یا آریانی تدوین شد، بعد در اثر حادثه ها و هجوم بیگانه گان از بین رفت و بعد چندین قرن در عهد دولت پارت (قرن اول میلادی)، زمانی که انجیل جمع آوری میشد، تدوین گردید، در قرن سوم میلادی دولت ساسانی مجدداً دست به این کار زد و اوستای پراکنده را به زبان پهلوی نوشت.

در طول چند هزار سال ممکن نبود که این اثر به شکل اولی آن باقی بماند، امروز قسمت کوچک از اوستا باقی مانده که یک نسخه خطی آن به رسم الخط " دین دبیره " در کوپنهاگن کشور دنمارک حفظ میشود و تاریخ کتابت آن متعلق به قرن چهارده میلادی میباشد.



عالی ترین اوامر اوستا که تاکنون از ارزش آن کاسته نشده همانا؛ (پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک) است که رعایت آن هنوز هم میتواند رهکشاه باشد.

از انجایی که آئین زرتشتی صرف یک دین معنوی نبود، بل یک روش اقتصادی هم بود، زنده گی مالداري و نیمه زراعتی را مورد توجه قرار داده بود.

اوستا که در برگیرنده سرود های ریگویدا بود، افغانستان قدیم (آریانا - خراسان) را با ولایت های شانزده گانه دور و پیش کوههای هندوکش از قبیل؛ بلخ (بخدی - باختر)، بدخشان (راغا)، مرو، هرات (هریوا)، هلمند (هراویتی)، ارغنداب (هیتومنت)، حوزه سند (هیته هندو) و

سغدیان (ماورالنهر- فرا رود) و غیره میباشد که مدنیت همین شهرها بستر تاریخ، فرهنگ ملی و هویت ملی ما را احتوا داشته و مهمترین مأخذ تاریخ قدیم افغانستان بشمار میرود.

اوستا به گذشته دوری نظر دارد که هنوز مردم افغانستان سکه و پول نداشتند، معامله و داد و ستد جنس به جنس بود، اسب، گاو، اشتهر، گوسپند و غیره صورت میگرفت، جامعه آنروز نمک را نمیشناخت و خط و کتابت نداشت، اما شهرها، قریه ها، زراعت، آبیاری، مالداري، باغداری و پیشه وری وجود داشت. آلات فلزی استعمال میشد، بافنده گی و اسلحه سازی رواج بود، رقص، موسیقی و ورزش که جزء مهم فرهنگ یک کشور است معمول بود، طیب وجود داشت.

در ترکیب اجتماعی آنزمان طبقه بزرگ (دهقان)، زمیندار، پیشه ور، شناخته شده بود، درکنار آن اقشار روحانی، نظامی سیاست را بدست داشتند.

از همان زمان طبقات زحمتکش مورد ستم اربانان و قشر روحانی و اداره چنان قرار داشتند.

اوستا از جمشید، کشتاسب و پیشدادیان، کیانی و اسپه واز یک سلسله پادشاهان بلخ و باختر افغانستان هم نام میبرد، اوستا از فلز آن عصر هم نام برده است. پس میتوان گفت: جامعه آنروز افغانستان در حجر جدید و مرحله فلزات قرار داشت و این همان عهد برونز (برنج) است.

در هر حال این تمدن بسیط با استقلال نسبی است که از اجتماع آنروز افغانستان نشأت کرده و در هیچ تمدن دیگری هنوز رنگ نگرفته بود. گرچه کدام خدمت مهمی به تمدن و فرهنگ جهانی انجام نداده با آنها پایه های فرهنگ خود را چنین بنیان گذاشت.

بخش سوم

فرهنگ افغانستان در دور هخامنشی ها

دور هخامنشی چه گونه بود؟

هخامنش در 705 سال پیش از میلاد نام کسی است که دودمان هخامنشی ها خود را به او منسوب میدانند. هخامنشی ها در اصل شاخه یی از آریایی هاست که به تأسیس حکومت نیرومند در آسیا موفق شدند و تا دور دستها نفوذ داشتند، این حکومت از 445 تا 333 ق.م قلمرو کنونی افغانستان را نیز اداره مینمود. قلمرو هخامنشیان از دره سند درهند تا رود نیل در مصر و ناحیه بنگالی در لیبیا و از رود دانیوب در اروپا تا آسیای مرکزی را در بر میگرفت.

ظهور این سلسله در حالی بود که دولت باختری افغانستان مورد هجوم سوارکاران چادر نشین آسیای مرکزی قرار داشت و به شهزاده نشینهای متعددی منقسم شده بود، از نظر سیاسی کشور ضعیف شده میرفت، در چنین وضعیت " کوروش " هفتمین پادشاه سلسله هخامنشی در قرن ششم پیش از میلاد دولت مادها را از بین برد و دولت لیدی را مستقر ساخت. همچنان کوروش با افغانستان آنوقت که دولت مرکزی نداشت جنگ و آنرا تسخیر کرد، مردمان سلحشور آنزمان شش سال در برابر سپاه کوروش جنگیدند، محاذهای باختر، هزاره جات، سیستان، کندهارا و

کاپیسا شاهد جنگهای سختی بود، در یکی این جنگها در سال 529 پیش از میلاد در شمال باختر در منطقه ماساکتها کوروش هم کشته شد.

کامبوزیا پسر کوروش در سال 525 مصر را از آخرین فرعون سلسله 26 فراغنه گرفت، داریوش نخست ایران تسخیر کرد، بعد متوجه افغانستان شد و تا سند پیش رفت. داریوش سوم در 338 از دفاع عاجز ماند و به افغانستان رو آورد ولی با قیام مردم مواجه شد. داریوش از طرف سکندر مقدونی کشته شد و به این ترتیب دولت هخامنشی از پا افتاد و اشغالگر دیگری جای آنرا گرفت.

اما وضعیت فرهنگ شامل دستاوردهای مادی و معنوی در چه سطحی بود؟

-در نصف اول هزار سال پیش از میلاد زراعت و آبیاری با صنایع دستی و پیشه‌وری افغانستان در حال رونق و تکامل بود، باختریان که راه‌های هندوستان و آسیای وسطی از آن میگذشت، موقعیت جیوپولیتیک مناسب داشتند.

-از قرن ششم تا قرن چهارم پیش از میلاد، افغانستان گرچه از نظر سیاست ضعیف بود، اما از اینکه دیانت زردشتی را به ایران آنوقت منتقل ساخته بود، از نگاه فرهنگی دست بالاتر داشت.

-رسم الخط (خروشتی) را که مبداء الفبای آن آرامی بود پذیرفت و این خود عامل آنکشاف آن دوره گردید. زیرا خط پهلوی نیز از همین خط بهره گرفت. رسم الخط خروشتی تا قرن پنجم میلادی در سرزمین افغانستان کنونی عمر کرد. این خط در دفتر و دیوان و هم روی کتیبه‌های سنگی، روی فلزات و مسکوکات، روی ظروف سفالین و پوست و غیره بکار میرفت. آثار و شواهد این خط در افغانستان در موزیم ملی و آرشیف ملی وجود داشت.

کتیبه‌های مکشوفه (خوات وردک)، (بیماران درونته) و (هده جلال آباد) و بگرام. این کتیبه‌ها بخصوص کتیبه وردک نشان میدهد که در جامعه آنروز افغانستان اشخاص متدین، عبادتگاهها میساختند و اوقاف خیریه بجا میگذاشتند.

البته در افغانستان آنروز نشانه‌های خط میخی اعم از مادی‌ها و هخامنشی‌ها تا 50 سال قبل آشکار نبود، اما کتیبه‌های فراوان مکشوفه وجود دارد که ممکن تا هنوز خط آن شناخته نه شده باشد.

در کنار اینها قبل از اسلام زبان پراکریت گندهاری در ولایت جنوبی هندوکش به رسم الخط‌های سانسگریت و برهمی نیر نوشته میشد.

-دولت هخامنشی گرچه به علوم جهانی خدمت مهمی نکرده ولی در هنر معماری، حجاری، طرز آبیاری و در نظم و اداره کشور تبارز داشت. این دولت رسم الخط آرامی را در افغانستان آورد، تاریخ ثبت شده این سرزمین از همانجا آغاز یافت. این دولت تقسیمات سیاسی و ملکی را به میان آورد، هرولایت بزرگ از خود ساتراپی (والی) داشت که با یک نفر سردار نظامی و یک نفر دبیر امور ولایت اداره میشد.

رویه‌مرفته فرهنگ آن دوره به تناسب گذشته آنکشاف داشت.

مسکوکات مکشوفه از چمن حضوری کابل در سال 1932 سکه‌های متعلق به دوره هخامنشی‌ها را در افغانستان نشان میدهد. همچنان معبد مکشوفه سرخ کوتل آرت از بین رفته باختریان را ارایه نمود که این هنر باختر، هنر هخامنشی و هلنستیک و کوشانی را یکجا نموده است.

منابع این مباحث:

-افغانستان در مسیر تاریخ / نویسنده میر غلام محمد غبار

-منابع الکترونیک و انترنیتی

-یادداشت های شخصی پژوهشگر

